



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره نصر، ۶ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

این سوره درباره یاری خدا و فرا رسیدن فتح و پیروزی است.

خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید وقتی یاری خدا آمد و فتح اتفاق افتاد و مردم را دیدی که فوج فوج وارد دین خدا

می‌شوند دستوری به پیامبر(ص) داده شده، تسبیح کن با حمد خود و استغفار کن، که خدا توآب است.

موقعیتی را معرفی می‌کند که دین خدا در حال فراگیر شدن است. آنچه در طول تاریخ انبیا مختلف آمدند که

دین خدا را همه گیر کنند، قوانین خدا را جاری کنند تا بشر به سعادت برسد، حالا دارد مستقر می‌شود. آرزوی

تمام انبیا الهی دارد به تحقق نزدیک می‌شود و این خیلی باشکوه است.



این اتفاق با یاری خدا صورت گرفته و پیامبر(ص) شاهد این ماجراست. امر خدا این

است که وقتی این اتفاق افتاد شما باید دو کار انجام دهی : تسبیح و استغفار

توابع یعنی خدا توبه پذیر است و به شما رو کرده است. همیشه رو کرده و الانم رویش به شماست.

توبه را هم برای خدا داریم و هم برای انسان. توبه یعنی برگشتن توجه، متوجه شدن به یک سمت. این که خدا

توابع است یعنی دائما توجهش به بندگانش هست و رویش را از او بر نمی گرداند. توبه انسان این است که او به طور

طبیعی، دچار روزمرگی های دنیا می شود. باید برگردد به خدا و متوجه خدا شود.

او همواره توجهش به شما بوده، شما هم هر وقت خواستی به او توجه کن و به پیامبر(ص) امر شده که تسبیح و

استغفار کند.

تسبیح یعنی خدا را بی نهایت و بری از هر نقص و عیب بدانید. امر شده که این تسبیح را با حمد انجام دهد یعنی

با بیان صفات زیبای خدا انجام دهد. با بیان زیبایی ها، خدا را بری و منزه بدان. این در جامعه تکاپویی ایجاد می کند.

رشدی که می توانیم انجام دهیم بی نهایت می شود. باید زیبایی ها را به چشم مردم بیاورد.

استغفار طلب مغفرت. قانون غفران داریم. عمل انسان آثاری دارد که قاعدتا نباید از بین برود. گاهی کارهای ما اثر

بد هم داریم. خدا این توان را دارد که آن را از بین ببرد.

وقتی یک جامعه ای دارد رشد می کند و یا پیامبر(ص) که یک رهبر جامعه ای در حال رشد است، به طور طبیعی

کارهایی صورت می گیرد که آثار بدی دارد. باید پیامبر(ص) بخواهد که خدا آن را برطرف کند.

موقعیتی ترسیم شده که نصر و فتحی آمده و فوج فوج آدم در دین وارد می شود. عده زیاد می شود این خوب

است ولی آسیب ها هم زیاد می شود و مشکلات خودش را دارد. مسائلی پیش می آید. ولی جامعه و مسئولان

جامعه باید به فکر رشد این جامعه باشد. افراد در سطوح مختلف قرار دارند و پایین بودن سطح افراد باعث می شود



که جامعه با مشکل مواجه شود. سطح پایین را باید با تسبیح اصلاح کرد، بی‌نهایت بودن خدا را در جامعه جاری کرد و فضای رشد ایجاد کرد و خرابکاری ایجاد می‌شود را باید با استغفار پوشش داد.

چیز مهم سوره نصر این است که خداوند به انسان‌ها در همه سطوح اجازه ورود به دین خدا را داده است. خدا انسان‌ها را یاری کرده که در دین خدا وارد شود و این افتخار را به آن‌ها داده که دین خدا را یاری کنند.

### چگونگی ارائه سوره برای بچه‌های دبستان

برای ارائه سوره باید مراقب باشیم سطح درک آن‌ها چقدر است. بچه‌ها در سال‌های پایین‌تر، درک روشنی از یاری خدا، تسبیح و استغفار ندارند.

مفهوم کلی سوره، مفهوم یاری کردن است. یاری کردن را در پایه اول باید بفهمند. یاری کردن در ذهن افراد مشارکت در یک موضوع است. بیشتر از معنی دستگیری معنی مشارکت کردن دارد. به کمک هم می‌توانند کاری را انجام دهند. با توجه به غرض سوره نصر، اینگونه می‌شود که اتفاق با شکوهی افتاده و به تکاپو بیفتند، دین خدا را یاری کنند. بچه‌ها را باید سوق بدهیم که دین را یاری دهند. به تدریج با مفهوم یاری خدا آشنا می‌شوند.

برای بچه‌ها از این زاویه مطرح می‌کنیم که سوره نصر به ما یاد می‌دهد که در کارهای خوب مشارکت داشته باشیم و باید طوری باشد که دین خدا را یاری کنیم. کارهای خوب، کارهایی است که دین برای ما تعریف می‌کند.

### تدبر در سوره

سوره با ادا شروع می‌شود به معنای هنگامی که است. به طور کلی ادا، موقعیتی را ترسیم می‌کند. سوره‌هایی که با ادا شروع می‌شوند سوره‌های معرفی موقعیت هستند.

این سوره معرفی موقعیت آمدن یاری خدا و فتح است.



آمدن یعنی کسی در محیط دیگری بوده حالا در محیط من می آید. در مورد چیزهای

معنوی آمدن یعنی او با آن چیز مواجه می شود. حق می آید، حق که راه نمی رود. یعنی من با حق مواجه می شوم. وارد محیط ادراک من می شود.

یاری خدا، ان تنصر الله ینصرکم. شما یاری کنید یعنی فضایی ایجاد کنید که یاری خدا را دریافت کنید.

حالا یاری خدا آمده سختی های زیادی برای مسلمان ها بوده و مجبور به هجرت شده بودند. جنگ و سختی بوده و... پیامبر(ص) می دانستند خدا همواره او را یاری می کند ولی بقیه نمی دانستند. حالا یاری خدا به واسطه فتح آمده است و قابل درک شده است.

فتح به معنی پیروزی و قفل های بسته باز شده، گشایش. همه دیدند که یاری خدا آمده است.

این سوره قبل فتح مکه نازل شده است و دارد بشارت فتح مکه را می دهد. چند سال قبلش جنگ خندق اتفاق و نزدیک بوده از بین بروند. کسی فکر نمی کرد چند سال بعد به راحتی و بدون خونریزی مکه فتح شود.

نقل دیگر این است که این سوره برای بعد از فتح مکه است و بشارت پیروزی های بزرگ بعدی را داده است.

حجاز به طور کامل دست مسلمان ها افتاد و هجوم افراد مختلف به دین خدا اتفاق افتاد. عده زیادی می آمدند، پیش پیامبر(ص) سوال می کردند و مسلمان می شدند.

در موقعیتی که اصلا کسی فکر نمی کرد که اسلام رشد کند، رشد کرد. حالا شده مرکز توجه و دارد توسعه پیدا می کند. پیامبر(ص) دارد نامه می دهد به شام و روم و ایران و... توسعه سریع و زیادی دارد صورت می گیرد.

وقتی یاری خدا می آید پیامبر(ص) در جایگاه رویت قرار می گیرد، حقایق را می بیند، ناس را می بیند. پیامبر(ص) می خواهد اسلام را عالم گیر کند. ناس برای مردم مهم است. اهل بیت و مومنین دیگر وجود داشتند ولی ایشان می خواستند عالم گیر شود.



یدخلون فی دین الله افواجا، جمله حالیه است. پیامبر(ص) مردم را دید در حالیکه وارد دین خدا می‌شوند.

دین برنامه‌هایی است که خدا تعیین کرده و مردم دارند داخل در آن می‌شوند.

افواجا نیز حال در جمله است، به صورت فوج فوج. فوج دسته و گروهی است که حرکتی می‌کنند. فوج‌های مختلف، جهت‌گیری‌های مختلفی هم داشته‌اند. ممکن است به خاطر منافع مادی هم بوده باشد. دین باید برای همه برنامه داشته باشد. حالا پیامبر(ص) دارد می‌بیند که مردم در گروه‌های مختلف می‌آیند.

همه سوره ذیل اذای اول سوره است. آن موقعیتی که نصر آمد و فتح اتفاق افتاد و شما دیدی که مردم دارند فوج فوج وارد دین خدا می‌شوند. در ادامه ف آمده است و دستوری به پیامبر داده شده است و جواب اذا یا جواب شرط آمده است و دستور به استغفار و تسبیح داده شده است.

رب به معنی پروردگار، مالک تدبیر، کسی که نقطه کمال را مشخص می‌کند و نواقص موجودات را می‌شناسد و به سمت کمالشان می‌برد و رشد می‌دهد.

حمد رب یعنی ستایش این پروردگار، جلوه بزرگی از حق و حقیقت است که قابل ستایش است. ستایش فعل ربوبیت پروردگار. این جریان رشدی که خدا در عالم ایجاد کرده باید دیده و ستوده شود.

تسبیح منزله دانستن خدا از نقص است. تسبیح از ریشه سبح است و سبح حرکت بدون نقطه ضعف، حرکت از محدود به نامحدود است. تسبیح از باب تفعیل یعنی در شناخت خدا این محدودیت‌ها کنار زده شود و به سمت نامحدود پیش برویم و ابراز کنیم و بگوییم خدا عیب (ویژگی زشت) ندارد، نقص (ویژگی زشت نیست ولی کمبود است) هم ندارد مثلاً کسی که عینک دارد نقص دارد و خداوند محدودیت هم ندارد (ممکن است چیزی نقص هم نداشته باشد ولی محدود باشد). خدا عیب ندارد، نقص ندارد، محدودیت هم ندارد.

# فهم قرآن

برخی از ما فکر می‌کنیم خدا عیب دارد و برخوردهایی می‌کند که نباید بکند. فکر

می‌کنیم نقص دارد یعنی خدا نمی‌تواند یک کارهایی را بکند. خدا نامحدود است، علم، قدرت، رحمتش محدود نیست. خدا را بی‌نهایت دانستن تسبیح است.

تسبیح کن، و با حمد رب خودت را تسبیح کن. با درک زیبایی‌های رب و نشان دادن آن زیبایی‌های ربوبیت خدا، خدا را از نقص و عیب و حد منزه بدار.

گاهی فردی در خلوت شب خود این تسبیح حمد رب را انجام می‌دهد، در عملکرد روزش اثر گذار است ولی پیامبر(ص) این کار را فردی انجام نمی‌دهد. در موقعیت هجوم آوردن مردم در دین خدا این کار را می‌کنند. در جامعه این کار را می‌کند. این در جامعه رشد و تکاپویی زیادی ایجاد می‌کند. جامعه متوقف نمی‌شود و تا بی‌نهایت می‌تواند جلو برود.

استغفار از ریشه غفر به معنی محو اثر است. اثر بد عمل قاعدتا نباید از بین برود ولی خدا غفران قرار داده است که آثار بد به جا مانده از اعمال را از بین ببرد.

قلم دست خود ماست. ن و القلم و مایسطرون، قسم به قلم و آنچه سطر می‌کند، این قلم دست ماست یعنی ما اعمال خود را می‌نویسیم ولی پاک کن دست ما نیست. پاک کن غفران است که دست خداست. غلط نوشتیم باید استغفار کنیم و از خدا بخواهیم پاک کند.

جامعه بزرگ دارد حرکت می‌کند و پیامبر(ص) با حمد رب تسبیح می‌کند و فضای رشد در جامعه ایجاد می‌کند، خدا امر می‌کند استغفار کند و از خدا بخواهد که آثار بد از بین برود و هم به جامعه نشان دهد که خدا آثار بد را از بین می‌برد و باید این را از خدا خواست و جامعه‌ای که می‌خواهد که آثار بد را از بین ببرد به تکاپوی جبران بدی‌های اتفاق افتاده، می‌افتد.

# فهم قرآن

در سوره نصر وظیفه پیامبر(ص) تسبیح و استغفار است و اگر ما بخواهیم به پیامبر(ص)

کمک کنیم باید برای خود تسبیح و استغفار کنیم چون پیامبر به خاطر آثار اعمال به جا مانده از ما استغفار می‌کند. جمع بزرگتر تشکیل بدهیم کمک بیشتر به پیامبر و دین خدا کمک می‌کنیم.

توآب خدا بسیار توبه پذیر است. همیشه به ما توجه دارد. همیشه می‌شود به خدا رو کرد. کافی است ما به خدا توجه کنیم.

می‌تواند غیر ممکن‌ها را ممکن کند. او می‌خواهد دینش جاری شود. اگر در این مسیر حرکت کنیم او مارا یاری می‌کند و از امدادهای ویژه‌ای بهره می‌بریم.

تسبیح آدم‌ها این است که از نقص‌ها حرکت کنند و بدی‌های جامعه از بین برود. هم ما اینگونه یاری کنیم، هم خدا به واسطه یاری ما، یاری می‌کند و نصر اتفاق می‌افتد. می‌گویند از تو حرکت از خدا برکت... فتح آمده، فوج فوج مردم داخل دین می‌شوند. با محوریت توجهی که خدا به ما دارد این چرخه تسبیح و استغفار و نصر و فتح و داخل شدن فوج فوج در دین خدا، این چرخه مدام اتفاق می‌افتد ولی سطحش می‌رود بالاتر.

## ورود سوره در زندگی

این فرآیند را دیدیم، خدا این فرآیند با عظمت را مطرح می‌کند و این افتخار را داده که ما هم وارد این جریان شویم. اجازه داخل شدن در دین را به ما داده است باید افتخار کنیم به این داخل شدن، پس داخل شویم در دین خدا و به پیامبر(ص) در تسبیح و استغفار کمک کنیم. از نقص به سمت کمال حرکت کنیم و برای رفع عیب‌های جامعه تلاش کنیم.

## ورود سوره به زندگی بچه‌ها

بچه‌ها یاری خدا و تسبیح و استغفار را نمی‌فهمند ولی کمک را می‌فهمند. ابتدا یاری خدا را نمی‌فهمند ولی یاری همدیگر را می‌توانند بفهمند. به آن‌ها می‌گوییم سوره نصر می‌خواهد در کارهای خوب مشارکت کنیم و به این



افتخار کنیم. در سنین بالاتر می‌گوییم در یاری دین خدا مشارکت داشته باشیم. به

جای افتخار به ساعت و ماشین و خانه و... به مشارکت کردن در کارهای خوب و یاری دین خدا افتخار کنیم.

**سوال:** استغفار به معنای پیش بینی کردن است یا خیر؟

معنای پیش بینی ندارد. استغفار طلب غفران است یعنی از خدا بخواهیم اثر بد کارهایمان را از بین ببرد، یا می‌دانیم

که کارمان اثر بدی داشته است و یا اینکه نمی‌دانیم.

اولیا خدا گناه نمی‌کنند و برای کارهای روزمره هم استغفار می‌کردند تا اثر بدی نداشته باشد.

**سوال:** آیا می‌شود مفهوم یاری خواستن از خدا و پیروزی با یاری خدا را به بچه‌ها گفت؟

می‌شود این را به بچه‌های بالاتر گفت. در اول و دوم نه ولی بالاتر می‌شود در حد اشاره بیان کرد. بیشتر تمرکز را

می‌بریم روی این که همدیگر را کمک کنیم. در سنین پایین‌تر می‌توان در این حد هم اشاره کرد که اگر بهم دیگر

کمک کنیم، خدا هم به ما کمک می‌کند. باید چیزی باشد که بچه‌ها ببینند و انتزاعی نباشد، بچه‌ها می‌بینند که

نتیجه می‌گیرند و پیروز می‌شوند، این را بچه‌ها می‌بینند و درک می‌کنند. در حد اشاره می‌توانیم به یاری خدا

ربطش دهیم.

**سوال:** یاری خدا یعنی انجام کار خوب یا کار با هدف مشخص؟

یاری خدا در جریان انداختن دین خدا هست. دین خدا یعنی آن برنامه‌ای که خدا در اختیار ما قرار داده تا با عمل

به آن به سعادت برسیم و پیروز بشویم. همه کارهای خوبی که خدا به آن امر کرده دین خدا است. در کار خوب

معیار خودمان نباشیم و معیار باید حقیقی باشد. برای بچه‌های کلاس اول تاکید به کار خوب می‌کنیم و حواسمان

باشد که کار خوب دینی است مثل مسواک، سلام کردن و پایه دوم مشخصا اسم دین خدا را می‌آوریم.



سوال: فرق نصر و فتح چیست؟

نصر یعنی کمک، یاری. زمانی که احساس می‌کنیم تنها نیستیم و یاری می‌شویم.

فتح به معنی باز شدن. گره یا قفل یا چیزهای متراکم باز می‌شود، فشار برداشته می‌شود. مثلاً پیروزی که به شکل گشایش اتفاق می‌افتد. موانعی بوده نمی‌شده، کاری صورت بگیرد ولی حالا می‌شود.

خدا مومنین را یاری می‌کند و آن‌ها نسبت به درجه ایمانشان یاری خدا را درک می‌کنند. انبیا الهی در شرایط تنگنا هم یاری خدا را درک می‌کنند حتی در شکنجه و مرگ عزیز و ... هم یاری خدا را می‌بینند. ولی ما آدم‌ها تا وقتی گشایش و فتح حاصل نشود ممکن است این یاری را درک نکنیم.

سوال: نامحدود بودن در حد و نقص و عیب، چطور با تعریف التحقیق قابل جمع است که می‌فرماید حرکت در مسیر حق بدون انحراف؟

تعریف حرکت در مسیر حق بدون انحراف، تعریف ریشه سبوح است و تعریف دقیق تر ریشه سبوح حرکت از محدود به نامحدود است ولی با آن تعریف هم مشکلی ندارد و شما وقتی داری تسبیح می‌کنی در مسیر حق حرکت می‌کنی و مسیر حق، مسیر خداست و یعنی در این مسیر به سمت خدای بی‌نهایت می‌روی و نقطه ضعفی هم نداری یعنی هیچ جا این بی‌نهایت بودن خدا را درک نکنی و با آن تعریف قابل جمع است.

سوال: چه کار کنیم که توبه ما پذیرفته شود؟

توبه به طور کلی با استغفار همراه است. توبه، توجه است. در واقع وقتی انسان متوجه خدا باشد، در اوج قرار گرفته است. این انسان همه مشکلاتش برطرف شده است. توبه اتفاق بیفتد نمی‌شود پذیرفته نشود. رو به خدا برگردانیم، خدا هم که رویش به ما هست، همه چی تمام می‌شود. به نتیجه و مقصود رسیده است. باید تلاش کنیم، توبه محقق شود. خیلی وقت‌ها موانع وجود دارد برای توجه به خدا. و آن کارهایی است که نباید می‌کردیم دست و پای ما را می‌بیند نمی‌گذارد رویمان را به سمت خدا کنیم. استغفار می‌کنیم و همه را باید از خدا بخواهیم. در سوره

# فهم قرآن

حمد می‌گوییم ایاک نعبد و ایاک نستعین، برای اینکه تو را بپرسیتیم هم خدا باید

کمک کند. استغفار یعنی می‌خواهیم خرابکاری‌هایمان از بین برود و تا بتوانیم به خدا توجه کنیم. و هر وقت توبه کنیم، دیگر توبه کرده‌ایم.

از کجا بفهمیم توبه ما قبول شده؟ هر وقت توجه کامل به سمت خدا کردیم یعنی خدا توبه ما را قبول کرده است. خیلی وقت‌ها در نماز هم توجه ما معطوف به خدا نمی‌شود. وقتی توجه به سمت خدا رفت، توبه ما قبول شده است.

**سوال:** اول نصر می‌آید بعد فتح؟ این نصر را چطور شامل حال خود کنیم؟ با استغفار و تسبیح؟

بله با استغفار و تسبیح می‌شود نصر را شامل حالمان کنیم. باید اهل نصر باشیم تا خدا ما را نصر کند. می‌گوید دستت را بده تا دستت را بگیرم. خدا رحمتش گسترده است می‌خواهد ما را شامل آن بکند، ما نباید مانع این شویم. در سوره شعرا که بحث بخوع پیامبر(ص) مطرح می‌شود، خداوند می‌گوید اگر خدا می‌خواست کاری می‌کرد تا همه مردم به دستوراتش گردن نهند ولی خدا می‌خواهد آدم‌ها خودشان بخواهند تا هدایت شوند (ایمان اختیاری). دست به طرف خدا دراز کنیم تا رحمت خدا شامل حال ما می‌شود.

**سوال:** سبیح حرکت بدون نقص و انحراف، برای کدام انحراف باید استغفار کنیم؟

تعریف دقیقتر سیر محدود از نامحدود است. تسبیح کردن و استغفار متفاوت است. تسبیح کردن خدا را از عیب و نقص منزّه دانستن. حرکت نقطه ضعف و... را اینجا نمی‌خواهد در نظر بگیرد.

<sup>۱</sup> لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ، إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (آیات ۳ و ۴ سوره شعرا)

### پایه اول

به بچه‌ها می‌گوییم که "افتخارآمیزترین کار، مشارکت کردن در کارهای خوب است،" یاری کردن و کمک کردن به هم . برای این پایه گفتگو مفهوم را منتقل نمی‌کند بلکه در قالب بازی و قصه و... به آن‌ها نشان می‌دهیم.

### پایه دوم

اگر در پایه اول این سوره را نخوانده اند به مشارکت در کارهای خوب اشاره می‌کنیم و برای این پایه بحث یاری دین خدا را می‌شود مطرح کرد. می‌توان گفت کارهای خوب، کارهایی است که خدا امر کرده، کارهای دینی هستند. "باید دین خدا را یاری کنیم و افتخارآمیزترین کار یاری دین خداست." لازم است انواعی از کارهای دینی را به آن‌ها معرفی کنیم مثلا نماز خواندن، کمک به برگزاری نماز، جشن نماز، کمک به راهپیمایی‌ها و... بدانند مشارکت در کارهای دینی یاری دین خداست.

### پایه سوم

نکات قبلی را لازم است بدانند. در این سن باید قدرت انتخابشان فعال شود. باید وارد کار عملی شوند و متناسب با عملی که می‌کنند، باید نباید هایش را بشناسیند. می‌گوییم سوره نصر از ما می‌خواهد که "به بهترین شکل دین خدا را یاری کنیم." بهترین شکلی که می‌توانم دین خدا را یاری کنم را انتخاب کنم. کاری که در توانشان هست و بهترین آن را انتخاب کنند و واقعا هم انجام دهند.

### پایه چهارم

قدرت انتزاعشان بیشتر شده است. اگر خوب رشدشان صورت گرفته باشد، انتظار برنامه ریزی و ثبت از آن‌ها داریم. لازم است مطالب پایه‌های قبل را بدانند. باید فهرستی از کارهای دین دارانه داشته باشند و متناسب با آن برنامه



برای یاری دین خدا داشته باشند. می‌گوییم "همیشه باید دین خدا را یاری کنیم.

برنامه داشته باشد و در موقعیت‌ها و ساعات مختلف بتواند دین خدا را یاری کند."

### پایه پنجم

مطالب پایه‌های قبل را لازم است که بدانند. در این پایه بحث تعامل و رغبت به کارهای خوب به این واسطه موضوعیت پیدا می‌کند. توقع داریم "برای اینکه چه طور دین خدا را یاری کنند، پیشنهاد بدهند و مشارکت دیگران را برای یاری دین خدا جلب کنند." بچه‌ها سوره نصر به ما می‌گویند که ما باید از توان دیگران هم برای یاری دین خدا استفاده کنیم و باید برای یاری دین خدا جلب مشارکت کنیم.

### پایه ششم

مطالب پایه‌های قبل را لازم است که بدانند. به بچه‌ها می‌گوییم "سوره نصر از ما می‌خواهد به صورت گروهی و جمعی و با همه توانمان دین خدا را یاری کنیم." توقع داریم قواعد شکل‌گیری جمع را بشناسند و باید بتوانند جمعی را شکل دهند و با توان جمعی و مسئولیت خود کار گسترده‌تر در یاری دین خدا انجام دهند. مشکلی را درباره دین در جایی حل کنند.

**نکته:** ممکن است بچه‌ها در سطح پایه خودشان نباشند. اگر بچه‌های ششم را به سطح پایه چهارم هم برسانیم خوب است ولی اگر ظرفیت دارند تا سطوح بیان شده می‌توانند رشد کنند.

### فعالیت‌ها

بهتر است با سوالات شما سراغ این قسمت برویم.

**سوال:** برنامه ریزی برای پایه چهارم را مثال بزنید.

# فهم قرآن

برنامه یعنی کار من زمان بندی دارد، قبل و بعد دارد. فرض کنید بچه‌های دو ساله

وقتی بازی می‌کنند، با هر چه مواجه می‌شوند با همان بازی می‌کنند. الان با اسباب بازی مشغول بازی هستند، سپس یک چیز دیگر توجهشان را جلب می‌کند، اسباب بازی را رها می‌کنند و می‌روند سراغ چیز جدید. بچه‌ها قصد قبلی ندارند. قصد داشتن یعنی مقصد مشخص داشته باشند و آن را دنبال کنند. قصد در دوره دوم کم کم شکل می‌گیرد. در پایه چهارم بچه‌ها این توان را کسب می‌کنند که با قصدهای مشخص برای کارهای مشخص شان داشته باشند و آن‌ها را ثبت کنند و با یک هدف گذاری به مقصد برسند. ممکن است این ثبت در کاغذ و یا در ذهنشان باشد. مقصدهای مشخص ثبت شده و زمان بندی شده را برنامه ریزی می‌گویند. می‌توان از بچه‌های پایه چهارم توقع نظم داشت، نظم یعنی هر چیز را سر جای خودش قرار دادن. قبل از پایه چهارم نمی‌شود این توقع را از بچه داشت.

به بچه‌ها باید گفت که یاری دین خدا به چه شکل است. مثلاً اگر برای رضای خدا و گوش دادن به حرف پیامبر خدا مسواک بزنیم، دین خدا را یاری کرده‌ایم و یا با کارهای مفصل تر دین خدا را یاری دهند مثلاً شرکت در راهپیمایی باعث استقرار حکومت اسلامی می‌شود، روزه گرفتن، کمک به روزه دار و یا نماز خواندن و کمک به نماز خواندن دیگران، یاری دین خداست. مثلاً بچه دبستانی بداند اگر خواهر یا برادر کوچکش را ننگه می‌دارد تا مادر نماز بخواند، دین خدا را یاری کرده است. باید به این کارها جهت بدهیم.

بچه‌های سوم با جشن تکلیف گرفتن در واقع دین خدا را یاری کردند. کمک به برگزاری جشن عبادت برای سومی‌ها، یاد دادن احکام به کسی، تکبیر در مسجد گفتن، همه مصداق یاری دین خداست.

تنوع کارها را از دوم می‌شود به بچه‌ها یاد داد ولی در چهارم برای آن برنامه می‌ریزند. یاری دین خدا با کارهای فردی که با تاسی از پیامبر(ص) انجام می‌دهند مانند مسواک زدن برای نماز، ناخن گرفتن در روز جمعه و یا رابطه با دیگران مثلاً حرف والدین را گوش دهند یا با کارهای مفصل تر صورت می‌گیرد مثلاً در دهه فجر کلاس را تزئین



کنند و... برای خانه، مدرسه، جامعه، در رابطه با دوست، فامیل و موقعیت های مختلف، با قصدهای مشخص برای یاری دین خدا برنامه داشته باشند.

**سوال:** ان شاء الله گفتن هم نوعی یاری خواستن برای انجام کار است؟ برای بچه ای که فکر می کند ان شاء الله گفتن برای دیر انجام دادن و یا انجام ندادن کار است چه کنیم؟

این خرابکاری ما بوده است و باید استغفار کنم. ان شاء الله یعنی ما حتما می خواهیم این کار را انجام دهیم منتها در صورتی این کار انجام می گیرید که مشیت خدا باشد. اگر کاری که قصد انجامش را کردم، ذیل قوانین خدا و شاء خدا قرار بگیرد انجام می شود. خواست خدا لازم است تا اسباب تکمیل شود و کار انجام شود. بچه ها آنچه را دیدند می فهمند. در مواقع پیچوندن بچه ها، نباید ان شاء الله بگوییم. وقتی می خواهیم حتما انجام بدهیم باید بگوییم ان شاء الله.

**سوال:** یکی از بچه ها می پرسید اصلا چرا پاک می کنه، من باشم نمی کنم، چطوری پاک می کنه، چرا خوبی جاش میذاره، حالا نمی دونم به بحث این سوره هم مربوط میشه یا اصلا نباید وارد این مفاهیم برای بچه ها شد.

مفهوم استغفار را نباید برای بچه های دبستان گفت. خیلی مهم است که بدانیم چه چیز را نباید به بچه ها بگوییم و در این صورت بچه ها خیلی راحت دین دار می شوند. وقتی مفهومی که در سطحشان نیست را بیان می کنیم، خرابکاری می شود. استغفار چیزی نیست که بچه ها بخواهند واردش شوند. این مفهوم برای سن دبیرستان است. کتاب "دین و یاری خدا" که برای سوره نصر نوشته شده و برای هر پایه نمونه فعالیت دارد مشخصا اشاره کرده که مفاهیم تسبیح و استغفار مناسب این سن نیستند.

**سوال:** برای انتزاع در کتاب خیرگزینی گفته اوایل دوره دوم لازم نیست بگیم ولی در بقیه سالها یعنی چهارم به بعد میشه انتزاعیات رو گفت درسته؟



بچه های چهارم کم کم قدرت انتزاعیشان شکل می گیرد. همه سطوح انتزاع را نمی شود

به آنها گفت ولی یکسری از آن را می شود.

**سوال:** برای پایه اول و سوم مثال بیشتری بنویسید.

برای پایه اول کلا یاری کردن، مشارکت کردن در انجام یک کار مطرح است. **اصلی ترین قالب در آموزش سوره خواندن سوره است.** مثلا در همخوانی سوره نصر، دست هم را بگیرند و به این ترتیب القای مفهوم یاری کردن را داشته باشیم. یا چتر شادی داشته باشیم و توپ وسط آن بریزیم، بفهمند اگر باهم خوب مشارکت کنند، توپها را بهتر می ریزند. در انجام یک کاری مشارکت می کنند، سوره نصر را بخوانند. برای کلاس قرآن به نمازخانه بروند و بچه ها تا صندلی ها را بچینند که کلاس قرآن که کار خوبی هست، برگزار شود، سوره نصر بخوانند. در پایه دوم انواع مشارکت کردن در کار خوب را بشناسند.

پایه سوم متفاوت است. به طور کلی از پایه اول و دوم توقع کار عملی نتیجه دار مشخص نداریم. از پایه اول توقع ابراز داریم. ابرازشان را مدیریت کنند. ابراز برائت سوره مسدشان با ابراز یاری سوره نصرشان فرق داشته باشد. مواجه می شوند و ابراز می کنند. در پایه دوم باید تنوع را ببینند و متناسب با آنچه دیده ابراز هم داشته باشد. و توقع اعلام آمادگی به کار کنند.

از پایه سوم به بعد توقع اقدام داریم. در هر سوره ای توقع داریم یک کار کوچک در آن زمینه انجام دهند. آنها را در موقعیت انتخاب قرار دهیم. بتواند از بین کارهای مختلفی که می تواند انجام دهند، بهترینش را انتخاب کند و آن را انجام دهد اگرچه با یک کار کوچک دین خدا را یاری کند. مثلا بیاید بگوید داداش کوچولوم را نگه داشته تا مادرم نماز بخواند و بداند این کار را براساس سوره نصر انجام داده است.

**سوال:** اگر بچه پرسد چرا باید دین خدا را یاری کنیم یا اگر یاری کنیم چه می شود، چه بگوییم؟

# فهم قرآن

معمولا اینها را نمی‌پرسند اگر پرسند، دو حالت دارد یا ما مطلب را طوری بیان کرده‌ایم

که این سوال ایجاد شده است و یا از جای دیگری ذهنیت پیدا کردند. به هر حال چون این سوال‌ها برای آن‌ها سوالات جدی نیست باید آن‌ها را پیچاند و نباید تلاش کرد که به این سوال‌ها پاسخ داد چرا که واقعا سوالشان نیست. با دبستانی‌ها باید موضوعات را بدیهی مطرح کرد کافیت حرف حق باشد و آن را بدیهی مطرح کنیم.

بچه‌های پایه اول دوست دارند عواطف معلم را جلب کنند و به معلم کمک کنند. معلم می‌گوید کی کیف من را می‌آورد؟ همه می‌گویند ما. دوست دارند این کار را بکنند. فقط کافی است بگوییم این یاری کردن است. چرا نمی‌پرسند. می‌گوییم کار خوب، کار دینی است. آن‌ها خودشان مطالبه و تمایل دارند، چرا نمی‌پرسند.

انجام کارهای دینی باعث خوشحالی ما می‌شود. چرا کاری انجام ندهیم که باعث خوشحالی ما می‌شود؟

**سوال:** یعنی تا قبل از پایه پنجم خودشان برای یاری دین خدا نظر نمی‌دادند؟

بله در کلاس سوم هم باید انتخاب کنند که کاری انجام دهند و در کلاس چهارم برنامه دارند برای انجام کار خوب ولی در کلاس پنجم می‌خواهند خودشان کار را شروع کنند و پیشنهاد می‌دهند و مشارکت جلب می‌کنند.

**سوال:** دونکته: اول بنظر می‌رسد توجه سوره روی تسبیح و حمد خداوند است، چون امر به تسبیح می‌شود

دوم مثال‌های شما از یاری دین خدا، عمدتا از نماز و جشن عبادت و راهپیمایی و جشن ۲۲ بهمنه. بنظر می‌رسد فقط مثال‌هایی از این دست برای بچه‌هازدن بچه‌ها خیلی در فضای ایزوله و تک بعدی باریان و به قول شما خرابکاری می‌شود. لطفا مثال‌های عام تری بزنید، فقط کمک برای نماز و روزه و... کمک به دین خدا همیشه کرد. مثالهایی برای کمک به حق در زمینه‌های مختلف لطفا بزنید.

توجه سوره روی تسبیح و استغفار است. امر به پیامبر(ص) که ولی جامعه هست، شده است. سطح امر بالاست. ما در واقع ناس سوره هستیم که وارد دین خدا شده ایم، وظیفه ما هم در سوره یاری دین خداست و در قالب دین خدا باید تسبیح و استغفار انجام دهیم.



# فهم قرآن

مثالهای عمومی تر از کارهای دینی زدیم مثل مسواک زدن، ناخن گرفتن ولی بچه ها

را در این سطح نگه نداریم، سطح کار را اعتلا دهیم. این سوره، سوره دین خداست. با نماز و راهپیمایی و غیره که جلوه دین خدا هست، بهتر سوره را می فهمند. یاری هایی که فتح و پیروزی ایجاد می کند مثل راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس. می شود از سطح عمومی شروع کرد و به مرور به اینجا رسید.

**سوال:** فرق نصر و ایلاف در سوره قریش چیست؟

در سوره ی نصر مشارکت موضوعیت دارد یعنی یک کاری وسط است و بقیه همدیگر را یاری می کند تا بهتر انجام شود ولی ایلاف کارهایی است که اگر با هم باشیم می شود ولی اگر نباشیم، انجام نمی شود.

در نصر مشارکت در کارهای خوب مطرح است و مثلاً این که کلاس را تزئین کنیم سوره نصر است و در سوره قریش من می خواهم کاری انجام دهم نمی توانم و اگر باهم باشیم می توانیم و این که قدرت جمع از فرد بیشتر است، مطرح است.

در سوره ماعون هم کمک داریم کسی مسکین است، بیچاره است، مشکل دارد ما می رویم مشکل را برطرف کنیم. ان شاء الله شاهد گسترش قرآن و سبک زندگی قرآنی در همه دنیا باشیم و ما هم در این جریان سهیم باشیم و وقتی یاری خدا می رسد و فتح اتفاق می افتد ما هم در آن جمعی باشیم که پیروز شده اند.

اللهم صل علی محمد و ال محمد و عجل فرجهم

التماس دعا